

متن کامل بیانات تاریخی امام خمینی علیه کاپیتولاسیون در آبان 1343



در پی تصویب لایحه ذلت بار اعطای مصونیت سیاسی به اتباع آمریکایی در ایران (کاپیتولاسیون) در سال 1343 حضرت امام خمینی (ره) در تاریخ چهارم آبان ماه 1343 سخنرانی تاریخی و شدید اللحنی را علیه تصویب کاپیتولاسیون ایراد کردند که در تاریخ نهضت اسلامی ایران می درخشد. متن کامل این سخنرانی که منجر به دستگیری و تبعید حضرت امام به ترکیه و سپس نجف شد در ادامه آمده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

انالله و انالیه راجعون. من تاثرات قلبی خود را نمی توانم اظهار کنم، قلب من در فشار است؛ این چند روزی که مسائل اخیر ایران را شنیده ام خوابم کم شده (گریه حضار) ناراحت هستم، قلمم در فشار است. با تاثرات قلبی روز شماری می کنم که چه وقت مرگ پیش بیاید. (گریه شدید حضار) ایران دیگر عید (گریه حضار) ندارد، عید ایران را عزا کرده اند، (گریه حضار) عزا کردند و چراغانی کردند، عزا کردند و دستجمعی رفصیدند. ما را فروختند، استقلال ما را فروختند و باز هم چراغانی کردند، پایکوبی کردند. اگر من به جای اینها بودم این چراغانی ها را منع می کردم، می گفتم بیریق سیاه بالای سر بازارها بزنند، بالای سرخانه ها بزنند، چادر سیاه بالا ببرند. عزت ما پایکوب شد، عظمت ایران از بین رفت، عظمت ارتش ایران را پایکوب کردند. قانونی در مجلس بردند؛ در آن قانون اولاً "ما را ملحق کردند به پیمان وین و ثانیاً الحاق کردند به پیمان وین! که تمام مستشاران نظامی آمریکا با خانواده هایشان، با کارمندان فنی شان، با کارمندان اداری شان، با خدمه شان، با هر کس که بستگی به آنها دارد، اینها از هر جنایتی که در ایران بکنند مصون هستند. اگر يك خادم آمریکایی، اگر يك آشپز آمریکایی مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کند، زیر پا منکوب کند، پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد! دادگاه های ایران حق ندارند محاکمه کنند! باز بررسی کنند! باید برود آمریکا! آنجا در آمریکا ارباب ها تکلیف را معین کنند! دولت سابق این تصویب را کرده بود و به کسی نگفت. دولت حاضر این تصویب نامه را در چند روز پیش از این برد به مجلس و در چند وقت پیش از این به سنا بردند و با يك قیام و قعود مطلب را تمام کردند و باز نفسشان در نیامد. در این چند روز این تصویب نامه را بردند به مجلس شورا و در آنجا صحبت هائی کردند. مخالفت هائی شد، بعضی از وکلا هم مخالفت هائی کردند، صحبت هائی کردند لکن مطلب را گذراندند، با کمال وقاحت گذراندند، دولت با کمال وقاحت از این امر ننگین طرفداری کرد. ملت ایران را از سگ های آمریکا پست تر کردند. اگر چنانچه کسی سگ آمریکائی را زیر بگیرد باز خواست از او می کنند، اگر شاه ایران يك سگ آمریکائی را زیر بگیرد باز خواست می کنند و اگر چنانچه يك آشپز آمریکائی شاه ایران را زیر بگیرد، مرجع ایران را زیر بگیرد، بزرگتر مقام را زیر بگیرد هیچ کس حق تعرض ندارد، چرا؟ برای اینکه می خواستند وام بگیرند از آمریکا، آمریکا گفت این کار باید بشود (لااب اینچور است) بعد از سه چهار روز وام 200 میلیونی، 200 میلیون دلاری تقاضا کردند، دولت آمریکا تصویب کرد که در ظرف پنج سال مبلغ مزبور را به دولت ایران بدهند و در عرض 10 سال، 300 میلیون بگیرند. می فهمید یعنی چه؟ دویست میلیون دلار، هر دلاری 8 تومان در عرض پنج سال وام بدهند به دولت ایران برای نظام و در عرض 10 سال سیصد میلیون، آنطور که حساب کردند 300 میلیون دلار از ایران بگیرند یعنی 100 میلیون دلار، یعنی 800 میلیون تومان از ایران در ازای این وام نفع بگیرند؛ معذک، ایران خودش را فروخت برای این دلارها، ایران استقلال ما را فروخت، ما را جزء دول مستعمره حساب کرد، ملت مسلم ایران را پست تر از وحشی ها در دنیا معرفی کرد، در ازای وام 200 میلیون که 300 میلیون دلار پس بدهند. ما با این مصیبت چه بکنیم روحانیون با این مطالب چه بکنند به کجا پناه ببرند عرض خودشان را به چه مملکتی برسانند.

کاپیتولاسیون مخالف رای ملت است:

سایر ممالک خیال می کنند که ملت ایران است، این ملت ایران است که اینقدر خودش را پست کرده است، نمی دانند این دولت ایران است، این مجلس ایران است، این مجلس است که هیچ ارتباطی به ملت ندارد، این مجلس، سرنیزه است و این مجلس چه ارتباطی به ملت ایران دارد، ملت ایران به اینها رای ندادند، علمای طراز اول، مراجع، بسیاریشان تحریم کردند انتخابات را، ملت تبعیت کرد از اینها رای نداد؛ لکن زور سرنیزه اینها را آورد در این کرسی نشاند.

نفوذ روحانی مضر به حال دشمنان ملت است نه خود ملت:

در یکی از کتاب های تاریخی که امسال به طبع رسیده است و به بچه های ما تعلیم می شود، این است که بعد از اینکه يك مسائل دروغی را نوشته است، آخرش نوشته است که معلوم شد که قطع نفوذ روحانیت، قطع نفوذ روحانیون در رفاه حال این ملت مفید است! رفاه حال ملت به این است که روحانیون را از بین ببرند! همین

طور است، اگر نفوذ روحانیون باشد نمی گذارد این ملت اسیر انگلیس، يك وقت باشد، اسیر امریکا، يك وقت باشد. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی گذارد که اسرائیل قبضه کند اقتصاد ایران را، نمی گذارد که کالاهای اسرائیل در ایران بدون گمرک فروخته بشود. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی گذارد که اینها سرخود يك همچنين قرضه بزرگی را به گردن ملت بگذارند. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی گذارد این هرج و مرجی که در بیت المال هست، بشود. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی گذارد که هر دولتی هر کاری می خواهد انجام بدهد ولو صد در صد برضد ملت باشد. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی گذارد که مجلس به این صورت مبتذل در آید. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی گذارد که مجلس با سرنیزه درست بشود تا این فضاقت از آن پیدا بشود. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی گذارد که دختر و پسر با هم در آغوش هم کشتی بگیرند چنانکه در شیراز شده است. اگر نفوذ روحانیون باشد. نمی گذارد که دخترهای معصوم مردم زیر دست جوان ها در مدارس باشند. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی گذارد که زن ها را در مدرسه مردها ببرند، مردها را در مدرسه زن ببرند و فساد راه بیندازند. اگر نفوذ روحانیون باشد توی دهن این دولت می زنند، توی دهن این مجلس می زنند، وکلا را از مجلس بیرون می کنند. اگر نفوذ روحانیون باشد تحمیل نمی تواند بشود يك عده از وکلا بر سرنوشته يك مملکتی که حکومت کنند. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی گذارد يك دست نشانده امریکائی این غلطها را بکنند، بیرونش می کنند از ایران. نفوذ ایرانی، نفوذ روحانی مضر به حال ملت است تخیر مضر به حال شماسست، مضر به حال شما خائن هاست نه مضر به حال ملت. شما دیدید با نفوذ روحانی نمی توانید هر کاری را انجام دهید، هر غلطی را بکنید، می خواهید نفوذ روحانی را از بین ببرید. شما گمان کردید که با صحنه سازی ها می توانید که بین روحانیون اختلاف بیندازید نمی توانید، این خواب را باید به در مرگ برای شما حاصل شود، نمی توانید همچو کاری انجام دهید، روحانیون با هم هستند. من به تمام روحانیون تعظیم می کنم، دست تمام روحانیون را می بوسم، آن روز اگر دست مراجع رامی بوسیدم، امروز دست طلاب را هم می بوسم (گریه حضار) من امروز دست بقال را هم می بوسم (گریه شدید حضار).

اعلام خطر به کلیه اقشار ملت:

آقا من اعلام خطر می کنم، ای ارتش ایران! من اعلام خطر می کنم ای سیاسیون ایران! من اعلام خطر می کنم، ای بازرگانان! من اعلام خطر می کنم، ای علمای ایران! ای مراجع اسلام! من اعلام خطر می کنم، ای فضلا! ای طلاب! ای مراجع! ای آقایان! ای نجف! ای قم! ای مشهد! ای تهران! ای شیراز! من اعلام خطر می کنم، خطر دارم است، معلوم می شود زیر پرده چیزهایی است و ما نمی دانیم. در مجلس گفتند نگذارید پرده ها بالا برود، معلوم می شود برای ما خواب ها دیده اند. از این بدتر چه خواهند کرد. نمی دانم از اسارت بدتر چه از ذلت بدتر چه؟ چه می خواهند با ما بکنند. چه خیالی دارند اینها. این قرضه دلار چه به سر این ملت می آورد این ملت فقیر ده سال 100 میلیون دلار، 800 میلیون تومان نفع پول به آمریکا بدهد! در عین حال ما را بفروشید برای يك همچو کاری! نظامیان امریکائی، مستشاران نظامی امریکایی به شما چه نفعی دارند آقا اگر این مملکت اشغال امریکاست پس چرا اینقدر عریده می کشید، پس چرا اینقدر دم از ترقی می زنید اگر این مستشاران نوکر شما هستند پس چرا از ارباب ها بالاترشان می کنید پس چرا از شاه بالاترشان می کنید اگر نوکرند مثل سایر نوکرها با آنها عمل کنید، اگر کارمند شما هستند مثل سایر ملل که با کارمندانشان عمل می کنند شما هم عمل کنید. اگر مملکت ما اشغال آمریکانیست پس بگوئید، پس ما را بردارید بریزید بیرون از این مملکت. چه می خواهند با ما بکنند این دولت چه می گوید به ما، این مجلس چه کرد با ما این مجلس غیر قانونی این مجلس محرم، این مجلسی که به فتوای و به حکم مراجع تقلید تحریم شده است، این مجلسی که يك وکیلش از ملت نیست، این مجلسی که به ادعا می گوید ما از انقلاب سفید آمده ایم. آقا کو این انقلاب سفید! پدر مردم را در آوردند. آقا من مطلعم، خدا می داند که من رنج می برم، من مطلعم از این دهات، من مطلعم از این شهرستان های دور افتاده، از این قم بدبخت، من مطلعم از گرسنگی خوردن مردم، از وضع زراعت مردم.

سکوت در مقابل ابرقدرت ها از معاصی کبیره است:

آقا فکری بکنید برای این مملکت، فکری بکنید برای این ملت. هی قرض روی قرض بیاورید! هی نوکر بشوید! البته دلار نوکری هم دارد، دلارها را شما می خواهید استفاده کنید نوکریش را ما بکنیم. اگر ما زیر اتومبیل رفتیم کسی حق ندارد به امریکائی ها بگوید بالای چشمت ابروست لکن شماها استفاده اش را بکنید، مطلب این طور است. نباید گفت اینها را آن آقایانی که می گویند که باید خفه شد، این جا هم باید خفه شد این جا هم خفه بشویم ما را بفروشند و خفه بشویم قرآن ما را بفروشند و خفه بشویم والله گناهکار است کسی که داد زند، والله مرتکب کبیره است کسی که فریاد نکند (گریه شدید حضار).

به داد اسلام برسید:

ای سران اسلام به داد اسلام برسید، ای علمای نجف به داد اسلام برسید، ای علمای قم به داد اسلام برسید، رفت اسلام. (گریه شدید حاضرین در مجلس) ای ملل اسلام! ای سران ملل اسلام! ای رؤسای جمهور ملل اسلامی! ای سلاطین ملل اسلامی! ای شاه به داد خودت برس، به داد همه ما برسید. ما زیر چکمه امریکا برویم چون ملت ضعیفی هستیم! چون دلار نداریم! امریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از آمریکا بدتر، شوروی از هر دو بدتر، همه از هم بدتر، همه از هم پلیدتر.

امروز دولت آمریکا منفورترین دولت در نظر ماست:

اما امروز سر و کار ما با این خبیث هاست، با امریکاست. رئیس جمهور امریکا بداند، بداند این معنا را که منفورترین افراد دنیا است پیش ملت ما، امروز منفورترین افراد بشر است پیش ملت ما، يك همچنين ظلمی به دولت اسلامی کرده است، امروز قرآن با او خصم است، ملت ایران با او خصم است. دولت امریکا بداند این مطلب را، ضایع کردند او را در ایران، خراب کردند او را در ایران.

ما را به آمریکا فروختند:

برای مستشارها مصونیت می گیرید بیچاره وکلا داد زدند آقا از این دوست های ما بخواهید به ما این قدر تحمیل نکنند، ما را بفروشید، ما را به صورت مستعمره در نیاورید، کی گوش داد به اینها. از پیمان وین يك ماده را اصلا ذکر نکرده اند، ماده 32 ذکر نشده است، من نمی دانم آن ماده چه است، من که نمی دانم رئیس مجلس

هم نمی داند، وکلا هم نمی داند، نمی دانند که قبول کردند طرح را، طرح را قبول کردند، طرح را امضا کردند، تصویب کردند اما عده ای اقرار کردند که ما اصلا نمی دانیم چیست. (آنها هم لابد امضا نکرده باشند) آن عده دیگر بدتر از آنها بودند، يك عده جهانگرد اینها، رجال سیاسی ما، صاحب منصب های بزرگ ما، رجال سیاسی ما، یکی بعد از دیگری را کنار می گذارند، الان در مملکت ما به دست رجال سیاسی که وطنخواه باشند چیزی نیست، در دست آنها چیزی نیست، ارتش هم بداند یکی تان را بعد از دیگری کنار می گذارند، دیگر برای شما آبرو گذاشتند برای نظام شما آبرو گذاشتند که يك سرباز امریکائی بر يك ارتشید ما مقدم است يك آشپز امریکائی بر يك ارتشید ما مقدم شد در ایران دیگر برای شما آبرو باقی ماند اگر من بودم استعفا می کردم، اگر من نظامی بودم استعفا می کردم، من این ننگ را قبول نمی کردم، اگر من وکیل مجلس بودم استعفا می کردم.

قطع نفوذ روحانی قطع ید رسول الله است:

باید نفوذ ایرانی ها قطع بشود! باید مصونیت برای آشپزهای امریکائی، برای مکانیک های امریکائی برای ادارای امریکائی، اداری و فنی، مامورین، کارمندان اداری، کارمندان فنی برای خانواده هایشان مصونیت باشد لکن آقای قاضی در حیس باشند! آقای اسلامی را با دستبند ببرند این ور و آن ور! این خدمتگزارهای اسلام، علمای اسلام در حیس باید باشند، وعاظ اسلام در حیس باشند، طرفداران اسلام باید در بندریاس حیس باشند برای این که اینها طرفدار روحانیت هستند، خودشان یا روحانی اند یا طرفدار روحانی. این را در تاریخ ایران دست مردم دادند اینها، سند دست دادند که معلوم شد رفاه حال این ملت به این است که قطع نفوذ روحانین بشود! یعنی چه رفاه حال ملت در این است که قطع ید رسول الله... از این ملت بشود! روحانین خودشان چیزی نیستند که، روحانین هر چه دارند از رسول الله است، باید قطع ید رسول الله از این ملت بشود! اینها این را می خواهند، این را می خواهند تا اسرائیل با دل راحت هر کاری این جا بکند، تا آمریکا با دل راحت هر کاری می خواهد بکند.

تمام گرفتاری های ما از امریکا است:

آقا تمام گرفتاری ما از این آمریکاست، تمام گرفتاری ما از این اسرائیل است. اسرائیل هم از امریکاست، این وکلا هم از امریکا هستند، این وزرا هم از امریکا هستند، همه تعیین آنهاست، اگر نیستند چرا نمی ایستند در مقابل، داد بزنند؟

روحانیت سدی در مقابل مطامع استعمارگران:

من الان حافظه ام درست نیست، نمی توانم بفهم مطلب را خوب، الان در حال انقلاب هستم، در يك مجلس از مجالس سابق که مرحوم مدرس، مرحوم آسید حسن مدرس در آن مجلس بود، اولتیماتومی از دولت روس آمد به ایران که اگر فلان قضیه را انجام ندهید (که من حالا هیچی از آن را یادم نیست) ما از فلان جا که قزوین ظاهرا بوده است می آئیم به تهران و تهران را می گیریم و دولت ایران هم فشار آورد به مجلس که باید این را تصویب کند. یکی از مورخین، مورخین آمریکائی می نویسد که: يك روحانی با دست لرزان آمد پشت تریبون ایستاد و گفت: آقایان اگر بناست ما از بین برویم چرا با دست خودمان برویم، رد کرد. مجلس به واسطه مخالفت او جرات پیدا کرد و رد کرد و هیچ غلطی هم نکردند. روحانی این است، يك روحانی توی مجلس بود نگذاشت آن قلدر شوروی را، روسیه سابق را، پیشنهاد اولتیماتومش را يك روحانی ضعیف، يك مشت استخوان رد کرد. امروز هم باید روحانی نباشد، برای همین قطع ید روحانی باید بکنند تا به آمال و آرزوی خودشان برسند، من چه بگویم؟!

بر ملت است که فریاد بزند چرا ما را فروختید:

این قدر انباشته است مطالب، این قدر مفاسد در این مملکت زیاد است که من با این حالم، با این سینه ام، با این وضع نمی توانم عرضه بکنم، نمی توانم مطالب را به آن مقداری که می دانم به عرض شما برسانم؛ لکن شما موظفید به رفقایان بگوئید، آقایان موظفند ملت را آگاه کنند، علما موظفند ملت را آگاه کنند، ملت موظف است که در این امر صدا در بیاورد، با آرامش عرض برساند، به مجلس اعتراض کند، به دولت اعتراض کند که چرا يك همچین کاری کردید چرا ما را فروختید مگر ما، بنده شما هستیم؟

دولت و مجلس غیرقانونی و خائن به اسلام و ملتند:

شما که وکیل ما نیستید، وکیل هم بودید، اگر خیانت کردید به مملکت خود به خود از وکالت بیرون می روید، این خیانت به مملکت است. خدایا اینها خیانت کردند به مملکت ما. خدایا دولت به مملکت ما خیانت کرد، به اسلام خیانت کرد، به قرآن خیانت کرد. وکلای مجلسین خیانت کردند، آنهايي که موافقت کردند با این امر، وکلای مجلس سنا خیانت کردند، این پیرمردها، وکلای مجلس شورا آنهايي که رای دادند خیانت کردند به این مملکت، آنها وکیل نیستند، دنیا بداند اینها وکیل ایران نیستند اگر هم بودند من عزلشان کردم، از وکالت معزولند، تمام تصویب نامه هائی که تا حالا نوشته اند، تمامش غلط است. از اول مشروطه تا حالا بر حسب نص قانون، به حسب نص قانون، قانون را اگر قبول دارند به حسب نص، به حسب نص قانون، بر حسب اصل دوم متمم قانون اساسی تا مجتهدین نظارت نکنند در مجلس، قانون هیچی نیست، کدام مجتهد نظارت می کند الان اگر پنج تا ملا تو این مجلس بود، اگر يك ملا تو این مجلس بود تو دهن اینها می زد، نمی گذاشت این کار بشود. من به آنان که به ظاهر مخالفت کردند، این حرف را دارم به آنها، چرا آقا خاک تو سرتان نریختید چرا پا نشدید بقیه آن مردك را بگیرد همین من مخالفم و سر جای خود بنشینید و آن همه تملق بگوئید! مخالفت این است. باید هیاهو کنید، باید بریزید وسط مجلس، به هم باید بپزید که نگردد این مطلب، به صرف اینکه من مخالفم درست می شود! دیدید که می گذرد، پس نگذارید يك همچون مجلسی وجود پیدا کند، از مجلس بیرونشان کنید. ما این قانونی را که در مجلس واقع شد، قانون نمی دانیم. ما این مجلس را مجلس نمی دانیم، ما این دولت را دولت نمی دانیم، اینها خائنند به مملکت ایران، خائنند.

خداوندا امور مسلمین را اصلاح کن. خداوندا دیانت مقدسه اسلام را عظمت به آن عنایت فرما. خدایا اشخاصی که خیانت می کنند به این آب و ملک، خیانت می کنند به اسلام، خیانت می کنند به قرآن، آنها را نابود کن.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته